

فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی

حسین مدرّسی

تهران

۱۳۸۴

مدرسی، حسین
فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی / حسین مدرسی. — تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۴.
شش، ۴۱۷ ص.؛ جدول. — («سمت»؛ ۹۲۸: زبان و ادبیات فارسی؛ ۴۴)
بها: ۲۵۵۰۰ ریال.
ISBN 964-459-977-2

فهرستویسی براساس اطلاعات فیبا.
پشت جلد به انگلیسی: An Applied Dictionary of Persian Poetical Meters.
کتابنامه: ص. ۴۰۰-۴۰۸.

نمایه.
۱. عروض فارسی — واژه نامه ها. ۲. عروض فارسی — اصطلاحها و تعبیرها.
الف. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). ب. بنیاد پژوهشهای اسلامی. ج. عنوان.

۸ فا ۰ / ۴۱۰۰۳

PIR ۳۵۵۹/م ۴ ۴۴

۸۴-۲۱۲۹۸

کتابخانه ملی ایران



فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی

حسین مدرسی

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، شماره انتشار ۹۲۸، زبان و ادبیات فارسی شماره ۴۴.

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۴

تعداد: ۱۵۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: سمت

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

قیمت ۲۵۵۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و جز اینها برای ناشران محفوظ است (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است).

مشهد، فلکه حرم مطهر، دوربرگردان شیخ طبرسی، ص. پ ۹۱۷۳۵.۳۶۶، تلفن

۰۱۰۱-۲۲۳۲۵۰۱، نمابر ۰۰۵-۲۲۳۰۰۰.

مراکز پخش:

تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)، روبه روی پمپ گاز،

کدپستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۰۲-۴۴۲۴۶۲۵۰، info@saml.ac.ir

www.saml.ac.ir

مقدمه ناشران

نیاز گسترده دانشگاهها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاهها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقاء کیفی و کمی منابع درسی از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی نهمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

این کتاب برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی به عنوان اثری مبنایی برای درس تخصصی «عروض و قافیه» تدوین شده است. امید است علاوه بر دانشجویان، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۱

متن الفبایی کتاب..... ۹

(بحرهای: بسیط ۹ جدید ۱۵ خفیف ۱۸ رجز ۳۴ رمل ۷۲ سریع ۱۲۴ طویل ۱۴۱ قریب
۱۴۵ کامل ۱۵۵ متدارک ۱۶۵ متقارب ۱۸۱ مجتث ۱۹۶ مدید ۲۱۸ مشاکل ۲۲۵ مضارع
۲۳۰ مقتضب ۲۶۹ منسرح ۲۸۷ وافر ۳۱۵ هزج ۳۲۳)

فهرست الفبایی دستیابی به مدخلها از طریق پایه‌ها یا افعال..... ۳۷۶

منابع اصلی..... ۴۰۰ تا ۴۰۸

فهرست نام شاعران..... ۴۰۹

فهرست کتابهای یاد شده در متن مقاله‌ها..... ۴۱۵

پیشگفتار:

خدای را سپاس می‌گزارم که به من عمر و توان و حوصله بخشید تا بتوانم کاری را که وعده کرده بودم به انجام رسانم. ستایش او را سزااست و حمد بی‌پایان او را باد. سلام و صلوات بر محمد مصطفی (ص) و خاندان پاک و معصوم او (علیهم‌السلام). کتاب حاضر به دنبال «فرهنگ توصیفی اصطلاحات عروض» در نوزده بحر عروضی تدوین شده و مشتمل بر ۶۲۰ وزن از اوزان شعر فارسی است. از این تعداد شاید کمتر از ده درصد آن، اوزان ارجاعی و مکرر باشد که به دلایلی - از جمله سهولت دسترسی - شماره خورده است و اگر این تعداد را از جمع اوزان بکاهیم، باز هم به جرأت می‌توان گفت که این کتاب فرهنگی است که در میان کتابهای عروضی موجود، بالاترین شمار اوزان شعر فارسی را داراست.

برای تدوین فرهنگ جامع اوزان شعر فارسی، حق این بود که تمام دواوین - اعم از چاپی و خطی و اشعار سنتی و نو - تقطیع می‌شد؛ سپس بر اساس تنظیم اوزان آنها، چنین فرهنگی به وجود می‌آمد. اما انصاف می‌باید که چنان عملی با توجه به گستره و عظمت و وسعت قلمرو شعر فارسی، از عهده یک تن برنمی‌آمد، بلکه یک کارگروهی می‌نمود که با صرف وقت و هزینه و امکانات بسیار، زمانی دراز را طلب می‌کرد و به همین دلیل تا به حال ناممکن و غیرممکن مانده است. تقاضای آرمانی این است که روزی چنین مهمی عملی شود؛ ولی تا آن روز، کتاب حاضر به عنوان گام نخست مغتنم خواهد بود. از سویی دیگر، بر فرض که چنان فرهنگ جامعی هم فراهم می‌شد، باز نمی‌توانست مدّعی باشد که تمام اوزان شعر فارسی

را شامل است؛ زیرا هرآن ممکن است شاعری خوش ذوق و باسلیقه در گوشه‌ای از سرزمین پهناور زبان پارسی - با استفاده از قواعد عروض پویای فارسی و جابه‌جایی یا تغییر پایه‌ها - وزنی تازه بیافریند و بر این گنجینه عظیم درّی ثمین بیفزاید. همچنان که این فرهنگ نیز چنین ادّعایی ندارد. به قول خواجهی کرمانی:

تا چند کنی عرض عروض ای ز جهالت

ناکرده جوی حاصل و مغرور به تحصیل

بس زن که بود نادره گوی و سخن‌آرای

نی همچو شما غرّه به درّاعه و مندیل

«از وزن چه پرسید که بیرون ز شمار است

مفعول مفاعیل مفاعیل مفاعیل»

راه دوم برای تدوین فرهنگ اوزان شعر فارسی که می‌توان از آن اصطلاحاً

به «راه میان‌بُر» تعبیر کرد، مراجعه به کتب عروضی و جمع‌آوری اوزان و شواهد آنهاست؛ راهی که ما انتخاب کرده‌ایم. انتخاب این روش با آنکه تا حدّی از اعتبار تحقیق می‌کاست، ولی چاره‌ای نبود که این فرهنگ به چنین راهی برود. اگرچه به منظور وزن‌یابی افزون بر کتابهای عروضی موجود، از مراجعه به منابع دیگر - از جمله بعضی دیوانها - هم دریغ نکرده‌ایم، با این وصف هرگز نمی‌گوییم که اوزان شعر فارسی همین است و جز این نیست. در این راه هم «چه آسان می‌نمود اوّل ولی افتاد مشکلها».

مشکل نخست، تشابهاتی بود که در نام‌گذاری اوزان پیش می‌آمد. در عمل

مشاهده شد که مثلاً دو وزن مختلف را جز با یک نام نمی‌شود نامید. بدین معنی که پایه‌های به کار رفته در هر دو وزن - چه اصلی و چه فرعی - و در نتیجه الفاظ و اصطلاحات لازم برای نام‌گذاری یکسان است. تدبیری جز این ندیدیم که با به کار گرفتن علایمی نظیر پرانتز و غیره و اشاره به جایگاه پایه و صدر و ذیل مصراع، مشکل را برطرف سازیم و میان آن دو وزن تمایز نشان دهیم. برای مثال سه وزن از اوزان بحر سریع را شاهد می‌آوریم: با علم به اینکه مفتعلن از مستفعلن «مطوی»

است و مفعولن از مفعولات «مکشوف» است و فاعلن از همین رکن «مطوی مکشوف» نام دارد؛ شما سه وزن مختلف زیر را چگونه نام گذاری می کنید:

۱. مفتعلن مفتعلن فاعلن

۲. مستفعلن مستفعلن فاعلن

۳. مفتعلن مفتعلن مفعولن

ما وزن اول را «سریع مسدس مطوی مکشوف»؛ وزن دوم را «سریع مسدس (مطوی مکشوف عروض)» و وزن سوم را «سریع مسدس مطوی (مکشوف عروض و ضرب)» نامیده ایم (← به هر کدام) و بر همین قیاس ...

مشکل دیگر اینکه شماری از اوزان بود که برابر موازین عروض و ضوابط علمی می شد پایه ها را در دو یا سه بحر مختلف یا بیشتر تنظیم و نام گذاری کرد. کتابهای عروضی هر کدام به سلیقه خود عمل کرده اند؛ اشکال چندانی هم به وجود نیاورده و تنها اختلاف و پراکندگی در نام گذاری و تنوع اوزان را در میان مآخذ عروضی - در مقایسه با کارهای مشابه - در بر داشته است. برای نمونه و روشن شدن مطلب به سه وزن زیر اشاره می شود:

الف) وزن: «مفاعِلن فاعِلن مفاعِلن فاعِلن»

- U - / - U - U / - U - / - U - U

|00|0 / |00|00 / |00|0 / |00|00

که می شود آن را در پنج بحر مختلف نام گذاری کرد:

• بسیط مَثَمَّنْ مخبون • رجز مَثَمَّنْ مخبون مرفوع

• • • • • مجتث مَثَمَّنْ مخبون محذوف • • • • • مضارع مَثَمَّنْ مقبوض محذوف

• • • • • منسرح مَثَمَّنْ مخبون مطوی مکشوف

- - - U - U - - - -

ب) سلسله نظم:

|0|0|00|00|0|0|0|0

با تقطیع: «مفعولن فاعلات مفعولن» می تواند در چهار بحر:

• رمل مسدّس مُشَعَّت مکفوف •• مجتث مسدّس مقصور مکفوف
 ••• مضارع مسدّس آخرم مکفوف •••• منسرح مسدّس مقطوع مطوی
 و با تقطیع «مفعولن فاعیلن مفاعیلن» بر بحر «هزج مسدّس آخرم آشتر» نام‌گذاری
 شود.

(ج) و بالاخره وزن: «مفعولن مفعولن مفعولن مفعولن»

--- / --- / --- / ---

| 0 | 0 | 0 | / | 0 | 0 | 0 | / | 0 | 0 | 0 | / | 0 | 0 | 0 |

را می‌شود به نامهای زیر نامید:

• رجز مثنیٰ مقطوع •• رمل مثنیٰ مُشَعَّت
 ••• وافر مثنیٰ أَقْصَم •••• هزج مثنیٰ آخرم مُخَنَّق

البته قاعده آن است که در رکن‌بندی به افاعیل معتبر و منصوب برسیم و برای نام‌گذاری، بحر مشهورتر را برگزینیم (لم تقطیع: مبحث رکن‌بندی و نام‌گذاری) علاوه بر آن باید دید آیا ارکان فرعی برگرفته از زحافاتنی که به کار می‌بریم، در بحر مورد نام‌گذاری وارد و ثبت شده است یا خیر. معمولاً این ضابطه را اکثر عروضدانان به‌ویژه متأخرین به تساهل گرفته‌اند. ما کوشیده‌ایم به قاعده عمل کنیم. بحر مشهور را به عنوان مدخل برگزیده‌ایم و دیگر نامها را در حد شناسایی بدان ارجاع داده‌ایم. پیدا شدن پاره‌ای ارجاعات از این رهگذر بوده است. به‌ندرت امکان دارد برخی از اوزان بعدی از نظر دور مانده باشد.

اصولاً نام‌گذاری دقیق اوزان قدری مشکل است؛ زیرا ضرورت دارد به پنجاه و پنج زحاف احاطه داشته باشیم. از این رو پیشنهاد می‌شود سازمان تألیف کتابهای درسی وزارت آموزش و پرورش، نام‌گذاری اوزان را از کتابهای رشته علوم انسانی و پرسشهای کنکور حذف کند. صرف دانستن تفعله‌های وزن و اینکه تفعله‌ها با چه بحری مناسبت دارد، سالم است یا غیرسالم، برای مبتدیان این رشته کفایت می‌کند. البته برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی دانستن آن لازم می‌نماید.

دیگر موارد و روشها

از مشکلات بگذریم. موارد دیگر و شیوه‌های به کار رفته در این کتاب چنین است:

- در تدوین فرهنگها، رسم بر این است که در هر مدخل با آوردن یکی دو شاهد و مثال بسنده شود. از آنجا که خواندن شعر - با آگاهی از وزن آن - لذت بیشتری دارد، ما در این فرهنگ اصرار داشته‌ایم در باب هر وزن مثالهای فراوان بیاوریم تا از شدت خشکی قواعد عروضی بکاهیم و کتاب را برای معلمان و متعلمان این فن، مطلوب و برای دوستان شعر فارسی هم دوست‌داشتنی‌تر سازیم. این امر سبب شده است تا کتاب به صورت مجموعه‌ای درآید مشتمل بر اشعار عمدتاً نغز و دلنشین و پندآموز و گاه البته بی‌مزه! و صرفاً شعرهای عروضی، آنجا که در اوزان متروک و کم‌اهمیت دست ما بسته بوده است. تنوع شواهد در این فرهنگ تابه جایی است که از ۱۴۹ تن شاعر کلاسیک و معاصر شعر آمده است و در هر حال، نسبت به انتخاب اشعار، ما خود را متعهد می‌دانسته‌ایم.

- در طرز نگارش اشعار، سعی داشته‌ایم از شیوه‌های ارائه شده در مقاله «وزن و قافیه دیداری در چاپ و نشر متون نظم فارسی» پیروی شود (مأخذ شماره ۸۳)، اما به سبب صرفه‌جویی در کاغذ از این کار صرف نظر شده است.

- نظر به اینکه در عروض فارسی، میزان وزن مصراع است و نه بیت؛ از به کارگیری اصطلاحاتی مثل: «صدرین، حشوین، عروضین یا ضریین» پرهیز شده و در مواقع لزوم این اصطلاحات را به صورت مفرد به کار برده‌ایم.

- اوزانی را که در آن، وزن مصراع اول با وزن مصراع دوم یکسان نبوده است، نیاورده‌ایم - حتی از منابع معتبری همچون المعجم و معیار - زیرا این اوزان با قالبهای شعر سنتی فارسی همخوانی ندارد.

- در تمام اوزانی که تفعلة مفروقی وجود داشته؛ آنجا که تفعلة سالم آمده است منفصل و آنجا که از مزاحفات بوده، متصل نوشته شده است.

- در متنی مقاله‌ها، هرگاه به این نشانه (◀) برخوردید؛ منظور ارجاع به یکی از

اوزان در همین کتاب است و اگر این علامت (له) را مشاهده کردید ارجاع به قاعده عروضی است در هر کتاب عروضی یا در «فرهنگ توصیفی اصطلاحات عروض» که برای درک بهتر مطلب، آگاهی از آن پیشاپیش لازم است. ما امیدوار هستیم در چاپهای بعدی در صورت موافقت ناشر، دو کتاب در یک مجلد چاپ شود.

- چنانچه از یک وزن، تنها پایه‌ها یا افاعیل آن را در خاطر داشتید؛ برای دانستن نام وزن، یا اطلاع از خصوصیات وزن و دسترسی به شواهد، می‌توانید به «فهرست دستیابی به مدخلها از طریق پایه‌ها یا افاعیل» مراجعه بفرمایید. این فهرست مهم در واقع جزو متن فرهنگ است، اما برای انسجام و زیبایی کتاب به آخر کتاب و بخش فهارس انتقال یافته است.

- در آخر مقاله‌های سرفصل بحور، زیر عنوان مآخذ، مجموعه‌هایی از ارقام را می‌بینید. هر مجموعه بر دو طرف خط ممیز (...) / ... به یک منبع خاص متعلق است که با علامت نقطه ویرگول (؛) از دیگر منابع جدا شده است. عدد سمت راست ممیز، شماره ردیف هر منبع و عدد یا اعداد سمت چپ، شماره صفحه یا صفحات آن منبع می‌باشد. به کمک شماره‌های ردیف می‌توانید به مشخصات تکمیلی منابع - که در پایان کتاب چاپ شده است - دسترسی پیدا کنید. همچنین در مآخذ اشعار، اضافه بر کتابهای عروضی، از چاپ معروف دیوانهای شاعران یا برخی گزیده‌ها و جنگها استفاده شده که فهرست مهم‌ترین این دیوانها نیز آمده است. اگر در بخشی از شواهد شعری ملاحظه می‌فرمایید که این شواهد غالباً از کتب عروضی نقل شده و نه مستقیماً از دیوانها؛ بدان سبب بوده است که هم رعایت امانت شده باشد و هم این شواهد به نحوی مستند ما در ارائه آن وزن است. یعنی ثابت می‌کند که مثلاً این وزن را فلان کتاب عروضی با این شاهد و مثال آورده است. البته این کار با دیدی نقادانه صورت پذیرفته است.

- در نمایش اوزان، دو شماره مشاهده می‌شود که با خط فاصله‌ای (... - ...) از

یکدیگر جدا شده است. شماره سمت راست، شماره ترتیبی وزنهای هر بحر است و شماره سمت چپ، شماره پی در پی همه اوزان.

برای تحقیق و مطالعه در علم عروض بیش از پانزده سال سرمایه عمر صرف کرده‌ام و بیشتر اشتغال ذهنی مرا در این سالها «عروض» به خود اختصاص داده است:

حاصل عمر است این اوراق کار
لطف یزدان شد دمی همراه و یار
در جهان بی‌قرار و کج‌مدار
من نمانم وین بماند یادگار

امید است برای استادان گرانقدر و دبیران محترم و دانشجویان عزیز و دوستان شعر فارسی عموماً و در پیشگاه شاعران فارسی‌زبان - که اوزان را یکجا در اختیارشان قرار داده است - خصوصاً مطبوع و مقبول واقع شود. ضمن پوزش از معایب و خطاهای احتمالی، درخواست می‌شود چنانچه به وزن یا اوزانی تازه برخوردند، با ذکر مأخذ و شواهد کافی به نشانی ناشر ارسال فرمایند تا در چاپهای بعدی به نام خودشان چاپ و کتاب هرچه بیشتر به همّت والاّی شما عزیزان پربار شود. نیز وظیفه می‌دانم از بزرگواری و محبّت حضرت حجّة الاسلام و المسلمین آقای دکتر احمد احمدی ریاست محترم سازمان مطالعه و تدوین (سمت) که پذیرفتند کتاب بنی‌کم و کاست چاپ شود؛ همچنین از الطاف استاد ارجمندم جناب دکتر محمدجعفر یاحقی و دوستان و همراهانی همچون آقایان محمدجواد مهدوی، اصغر ارشاد سرابی و جواد طهوریان که همواره از مشورت‌هایشان بهره برده‌ام، صمیمانه قدردانی و سپاس‌گزاری نمایم و ماتوفیقی الآ بالله والسّلام علیکم ورحمة الله.

حسین مدرّسی

مشهد مقدّس، اسفندماه ۱۳۸۳